

پژوهش‌های حقوقی

علمی - ترویجی

شماره ۳۱

هزار و سیصد و نود و شش - نیمسال اول (دوفصلنامه)

- ۷ • **تعلیق اجرای قواعد بین‌المللی حقوق بشر در وضعیت‌های عمومی فوق‌العاده**
دکتر سید قاسم زمانی - مرضیه اسفندیاری
- ۴۷ • **کاهش فقر؛ دستورالعملی برای توسعه اجتماعی در نظام بین‌المللی حقوق بشر**
دکتر رضا اسلامی - مهشید آجلی لاهیجی
- ۷۹ • **حمایت از حقوق بشر در فضای سایبر**
دکتر سید یاسر ضیایی
- ۱۰۷ • **تحلیل نظام قانونی ایران در حوزه سرمایه‌گذاری صنعت نفت**
دکتر حمید باقرزاده - دکتر راحله سید مرتضی حسینی
- ۱۲۳ • **اعتراض ثالث اجرایی در قانون اجرای احکام مدنی**
دکتر رسول پروین - امین باهکیده - الهه اعتمادی
- ۱۴۵ • **ضوابط حاکم بر ارجاع پرونده‌های قضایی از منظر استقلال قضایی: با مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی**
امید رستمی غازانی
- ۱۶۹ • **نقش شاکی خصوصی و دادستان در جرایم علیه میراث تاریخی و فرهنگی**
دکتر کیومرث کلانتری - حسن خدابخشی پالندی - امیر عرفانی‌فر
- ۲۰۳ • **حمایت حقوقی از آثار تاریخی و فرهنگی در برابر آلودگی‌های زیست‌محیطی**
امین ولی‌زاده - صابر نجومی
- ۲۳۱ • **حفاظت از تالاب‌ها در حقوق بین‌الملل، در پرتو کنوانسیون رامسر**
مهرداد محمدی - وحیده نجفی
- ۲۵۱ • **دور باطل تصویب عوارض در شوراها و ابطال در هیئت عمومی دیوان عدالت اداری: کاوشی در نظارت قضایی بر توسعه شهری مغایر با حق مالکیت مردم (۱۳۹۴-۱۳۸۸)**
دکتر وحید آگاه - محمدنبی بوربوری
- ۲۸۷ • **قانون دعوای جمعی: الگویی برای کشورهای نظام سیویل‌لا**
نویسنده: پروفیسور آنتونیو جیدی - مترجم: دکتر مجید پوراستاد





کاهش فقر؛ دستورالعملی برای توسعه اجتماعی در نظام بین‌المللی حقوق بشر

دکتر رضا اسلامی* - مهشید آجلی لاهیجی**

چکیده:

مبارزه با فقر از عمده بخش‌های فرایند توسعه اجتماعی به شمار می‌رود و در تحقق اهداف عالی‌تر توسعه اجتماعی از جمله دستیابی به برابری، عدالت و انسجام اجتماعی و تأمین صلح و امنیت جهانی مؤثر است. تحلیل اسناد بین‌المللی مربوط به توسعه اجتماعی نیز از اهمیت این مقوله در پروسه توسعه اجتماعی حکایت دارد و راهکارهایی برای رسیدن به وضعیت ایده‌آل حذف فقر مورد تأکید قرار گرفته است. بدیهی است که فقر در صورتی که مورد غفلت واقع شود، مشکلات عدیده‌ای گریبانگیر جوامع داخلی و جامعه جهانی می‌شود. زیرا فقر خود محرومیت و نابرابری و ناامنی می‌آفریند و ارکان توسعه اجتماعی بدین نحو با وجود معضلاتی چون تبعیض، عدم مشارکت، ناامنی و نیز آسیب‌پذیری در برابر بحران‌ها، فرو می‌ریزد. از این رو طی دستورالعملی برای توسعه اجتماعی می‌توان اهمیت سیاستگذاری صحیح در بعد داخلی برای توانمندسازی و ارتقای وضعیت اشتغال و نیز بهبود سیستم‌های حمایت اجتماعی برای تأمین امنیت مردمان در برابر فجایع زندگی را قابل بررسی دانست. همچنین در بعد بین‌المللی، همکاری عنصر سازنده‌ای است که همواره مورد توجه اسناد معتبر جهانی واقع شده و ضرورتی برای تحقق توسعه اجتماعی محسوب می‌شود.

کلیدواژه‌ها:

توسعه اجتماعی، کاهش فقر، سیاستگذاری اجتماعی، همکاری بین‌المللی.

مجله پژوهش‌های حقوقی (علمی - ترویجی)، شماره ۳۱، نیمسال اول ۱۳۹۶
صفحه ۴۷-۶۷. تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۱۲/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۲/۱۴

Email: somea1@yahoo.com

* دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، نویسنده مسؤول

** دانشجوی دوره دکترای حقوق بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی

Email: mahshid_ajeli@yahoo.com

مقدمه

در یک سطح حداقلی باید گفت که همه انسان‌ها دارای حق ذاتی بر دسترسی به منابع لازم برای حداقل زندگی شایسته هستند. بحث حق بر استاندارد شایسته زندگی که در اسناد بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است،^۱ مردم را به برخورداری از سطح مناسبی از تغذیه، سرپناه و مراقبت‌های بهداشتی محق می‌پندارد. در واقع هر کسی که در هر جایی از فقر شدید رنج می‌برد، نقض دسته‌ای از حقوق اقتصادی و اجتماعی‌اش را متحمل می‌شود.^۲

توسعه اجتماعی پروسه رشد انسانی است و به ایجاد یک محیط حمایتی ناشی از به کارگیری سیاست‌های جامع اجتماعی و توزیع مناسب‌تر منافع رشد اقتصادی بر پایه عدالت اجتماعی دلالت دارد.^۳ اجلاس جهانی توسعه اجتماعی کاهش فقر را یک ضرورت اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بشری و وسیله‌ای برای توسعه‌ای همه‌جانبه می‌شناسد و دولت‌ها را به شناسایی ریشه‌های ایجاد فقر، تأمین نیازهای اولیه برای همگان و تضمین دسترسی فقرا به منابع تولید شامل اعتبار، آموزش و ... دعوت می‌کند.^۴ کنفرانس سازمان ملل متحد راجع به توسعه پایدار که در ۲۰۱۲ برگزار گردید، حذف فقر را به عنوان یکی از ملزومات ضروری توسعه پایدار که توسعه اجتماعی یکی از ارکان اصلی آن است، شناسایی می‌کند.^۵ مجمع عمومی سازمان ملل در تصویب اقدامات بیشتر برای نیل به توسعه اجتماعی نیز، قرار دادن موضوع فقر در مرکزیت اهداف و سیاست‌های نیل به توسعه اجتماعی و اقتصادی و دستیابی به نوعی اتفاق نظر میان همه بازیگران مربوطه برای کاهش وضعیت فقر شدید را لازم می‌شمارد.^۶ هدف کاهش نسبت افرادی که در فقر شدید به سر می‌برند تا حد نصف، طی بازه زمانی ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۵، علاوه بر سند پیش‌گفته، به عنوان اولین هدف از اهداف توسعه هزاره، تعیین شد. گزارش‌های اخیر مربوط به روند پیشرفت نیل به اهداف هزاره، حاکی از این است که به واسطه تلاش‌های گسترده و مستمر در این زمینه، این هدف

1. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, 1966, Article 11; Universal Declaration of Human Rights, 1948, Article 25

2. Reza Eslami and Darlene R. Gonzalez, *Social and Economic Rights of Afghan Migrant Workers in Iran and Mexican Migrant Workers in the United States: A Comparative Study*, (Tehran: Jungle Publications, 1393), 62.

3. E. Oyen, "Some Basic Issues in Comparative Poverty Research," *International Social Science Journal* 134, (1992): 615-626

4. Copenhagen Declaration on Social Development, A/CONF.166/9, 1995

5. United Nations Conference on Sustainable Development, A/CONF.216/16, Rio de Janeiro, Brazil, 20-22 June 2012, Para. 2

6. United Nations General Assembly, Resolutions and Decisions, 24th Special Session, A/S-24/10, 2000, Para. 25-31.

از جمله اهدافی است که طبق آمارها، جامعه بین‌الملل توانسته آن را محقق گرداند.^۷ اگرچه هنوز چالش‌های بسیاری در رابطه با حذف این معضل، به لحاظ پیچیدگی پدیده فقر پیش رو است.

فقر به عنوان یک دغدغه سیاستگذاری عمومی چه در سطح جهانی و چه ملی، امروزه به عنوان یک مشکل چندبعدی مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. مطالعه مشکلات افراد فقیر و جوامع فقیر و فرصت‌های بهبود شرایط آنها به دریافتی از فقر به عنوان ترکیبی از محرومیت‌ها منجر شده است. این موضوع که در تصویب اهداف توسعه هزاره و تغییر مفهومی در برخورد با مقوله فقر به واسطه بانک جهانی در گزارش‌های توسعه جهانی این نهاد منعکس گردیده است، فقر را در رابطه با فرصت‌ها، توانمندسازی و آسیب‌پذیری تحلیل می‌کند. علاوه بر این، تحلیل کاربردی رویکرد قابلیت‌ها و ظرفیت‌های انسانی به وسیله گزارش‌های توسعه انسانی برنامه توسعه سازمان ملل گسترش یافت.^۸ به عبارت دیگر برنامه توسعه سازمان ملل در شاخص‌های توسعه انسانی معیار بهبود یافته‌تری برای اندازه‌گیری توسعه ارائه می‌دهد که به نابرابری‌ها حساس بوده و مفهوم قابلیت‌های آمارتیا سن^۹ را ملحوظ نظر قرار داده است. به نظر می‌رسد که علی‌رغم چالش‌های مطروح در ارزیابی سطح توسعه انسانی، شاخص‌های مربوطه تصویر ارزشمند و مستدلی در مورد اینکه دولت‌ها فراتر از رشد اقتصادی چگونه عمل می‌کنند، به دست می‌دهد. آنچه از مستندات دریافت می‌شود این است که کشورهایی که در پایین طبقه‌بندی توسعه انسانی جای می‌گیرند، اغلب متمایل به میزان بالاتری از شاخص فقر انسانی^{۱۰} و فقر چندبعدی^{۱۱} هستند.^{۱۲}

7. United Nations, The Millennium Development Goals Report, New York, 2014, 4 & 8-9.

8. United Nations Development Programme, Human Development Report, 2014.

۹. نک: آمارتیا سن، توسعه به مثابه آزادی، ترجمه حسین راغفر (تهران: انتشارات کویر، ۱۳۸۱)، ۴۷-۳۲.

10. Human Poverty Index

11. Multidimensional Poverty Index

۱۲. گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۶ شاخص فقر انسانی را معرفی کرد. در این قالب، فقر، بعد محرومیت توسعه انسانی و فقدان انتخاب‌ها و فرصت‌های اولیه است که مانع زندگی آزاد، سازنده، طولانی و سالم، به منظور بهره‌مندی از استانداردهای شایسته زندگی و مشارکت در زندگی اجتماعی و فرهنگی می‌شود و انتظار می‌رود که محرومیت در سه شاخص عمده توسعه انسانی را منعکس نماید: زندگی سالم و طولانی، آگاهی و استاندارد زندگی شایسته.

Fukuda-Parr, Sakiko, "The Human Poverty Index: A Multidimensional Measure," in *Poverty in Focus*, ed. UNDP (International Poverty Centre: United Nations Development Programme, 2009), 8.

چنانکه بسیاری به این مسئله توجه داده‌اند، معیار درآمد، در انعکاس میزان توسعه به واسطه شاخص درآمد سرانه چندان موفق عمل نکرده و تغییرات آن هم همبستگی کامل با شاخص‌های توسعه (ی انسانی) از قبیل امید به زندگی یا سواد به نمایش نمی‌گذارد.^{۱۳} استراتژی‌های کاهش فقر نه تنها به رشد اقتصادی و توزیع مجدد درآمد بلکه به مداخله مستقیم در مواردی نظیر فراگیر ساختن آموزش، از میان برداشتن تبعیض و تضمین عدالت اجتماعی وابسته است. برخی ساختارهای اجتماعی عمیقاً بر محرومیت و تشدید شرایط آن تأثیر گذارند. اما با وجود این تغییر در چندبعدی دانستن مفهوم فقر، نظارت بر این مقوله تا حدود زیادی همچنان بر مقیاس درآمد متکی است.^{۱۴} دلیل توجه به چنین معیارهایی مانند یک دلار در روز برای هر شخص، این است که برای ارزیابی کلی نیاز به توجه به یک عدد در برابر ارقام مختلف مربوط به شاخص‌های متنوع با توجه به دشواری تعیین وزن دقیق هریک از آنها برای سنجش، منطقی به نظر می‌رسد.

این در حالیست که نگرشی اجتماعی به توسعه مستلزم شناخت فقر در ابعاد گوناگون آن است. این برداشت، رویکردی انسان‌محور به کاهش فقر را تقویت می‌کند که مثلاً به واسطه توانمندسازی و ایجاد امنیت برای افرادی که در فقر زندگی می‌کنند، از طریق مشارکت در تمام ابعاد زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی به ویژه در طراحی و اجرای سیاست‌هایی که بر گروه‌های محروم و آسیب‌پذیر جامعه تأثیرگذار است، صورت می‌گیرد. حس مشارکت، کیفیت زندگی و رفاه افراد را افزایش می‌دهد و جامعه‌ای سالم ایجاد می‌کند که در آن اعتماد و ارزش‌های مشترک، سلامتی و آموزش بهتر، نابرابری و جرایم کمتر وجود دارد.^{۱۵} بنابراین در این پژوهش این مسئله که آیا کاهش فقر می‌تواند به عنوان برنامه‌ای برای نیل به توسعه اجتماعی محسوب شود، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این راستا تدوین برنامه‌های کاهش فقر در قالب سیاست‌ها و اقدامات ملی و بین‌المللی به صورت هماهنگ با اهداف توسعه، مدنظر است.

۱۳. رشد اقتصادی، تسلط بیشتر بر کالاها و خدمات و بنابراین انتخاب‌های بیشتر برای مردم به همراه دارد. اما مسئله این است که این وضعیت ضرورتاً به رفاه بیشتر برای همگان نمی‌انجامد. در واقع منافع رشد اقتصادی هرگز به طور برابر تقسیم نمی‌شود. بنابراین افزایش درآمد سرانه، فاکتوری مطلوب برای نشان دادن تغییرات وضعیت رفاه محسوب نمی‌شود.

14. United Nations, Millennium Development Goals Report 2014, 8-15.

۱۵. محمدامین قانعی راد، «برنامه‌های کاهش فقر و نابرابری در ایران/ رویکرد توسعه اجتماعی به برنامه‌های فقرزدایی در ایران»، *مجله رفاه اجتماعی* ۱۸ (۱۳۸۴): ۲۴۴.

۱- رفع تبعیض و خشونت ناشی از فقر و توسعه اجتماعی

محرومیت اجتماعی بر روابط افراد در جامعه تأکید می‌کند. محرومیت اجتماعی زمانی اتفاق می‌افتد که افراد یا گروه‌های جامعه قادر به مشارکت کامل در اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند، نباشند. نتیجه اینکه درآمد، توانایی‌ها و سایر مشخصه‌های افراد فقیر به طور غیر قابل‌تصور از استانداردهای جامعه و سایر گروه‌ها فاصله می‌گیرد. بر این اساس فقر یک ساختار اجتماعی است که اغلب با گروه‌های خاص مانند زنان، کهنسالان، و معلولین شناخته می‌شود.^{۱۶} افرادی که دچار فقر مادی هستند، به شدت احساس فقدان توانایی اظهارنظر، قدرت و استقلال می‌کنند. نبود حاکمیت قانون، عدم امنیت در برابر خشونت و تحمیل انواع تبعیض‌ها و نابرابری‌ها به واسطه ساختارها و نهادهای اجتماعی، بار ناکامی‌های فقرا را سنگین‌تر از تحمل صرف فقر مادی می‌کند.^{۱۷} در واقع جامعه و روابط و ساختارهای اجتماعی آن فقرا را از بهره‌گیری از فرصت‌های اقتصادی جدید و مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی یا سیاسی بازداشته و مانع کاهش محرومیت انسانی می‌گردد و پروسه پیچیده‌ای ظهور می‌کند که باعث تعمیق شکاف‌های اجتماعی و جلوگیری از وقوع توسعه اجتماعی می‌شود.

اجلاس توسعه اجتماعی در ۱۹۹۵ و در پی آن اجلاس هزاره سازمان ملل که در سپتامبر ۲۰۰۰ برگزار شد، فقر را در بستر موسع‌تری از بیگانگی اجتماعی مورد بحث قرار داد، با انعکاسی از این واقعیت که فقر با پروسه انزوا و تجزیه اجتماعی مرتبط است و آزادی اقتصادی محض و بی‌توجهی به اوصاف زندگی فقرا، انسجام اجتماعی را به عنوان یکی از اهداف و ارکان توسعه اجتماعی مورد تهدید قرار می‌دهد. در واقع فقر مسئله‌ای است با ابعاد گسترده که جنبه‌های مختلف آن یکدیگر را بازتولید می‌کنند. بسیاری از مسائل امروز مانند جنگ، تضادهای قومی و ملی، مهاجرت‌های دسته‌جمعی، جرایم و ... ریشه در فقر دارند.^{۱۸} از این رو وضعیت فقر به نقض حقوق بشر قابل تفسیر و طبق معاهدات حقوق بشری، کاهش فقر تعهد محسوب می‌شود.^{۱۹}

۱۶. محمد حسن زاده، رضا میرزا ابراهیمی، *استراتژی کاهش فقر: تجربه کشورهای شرق آسیا* (تهران: مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۶)، ۹.
۱۷. همانجا.

۱۸. زهرا تشکر، «جهانی شدن، فقر و نابرابری: تردید در شاخص‌ها و اندازه‌گیری»، *نشریه مجلس و پژوهش* ۴۳ (۱۳۸۳): ۱۵۸-۱۵۷.

19. Graeme J. Buckley and Giuseppe Casale, "Social Dialogue and Poverty Reduction Strategies" (Geneva: International Labour Organization, 2006), 5.

۱-۱- ضرورت رفع تبعیض، کاهش فقر و انسجام اجتماعی

گفته می‌شود که «مردمی که نیازهای مادی و غیرمادی اساسی آنها تأمین نشود، مطلقاً فقیر به شمار می‌آیند.»^{۲۰} در سطح بالاتری نسبت به مرتفع نشدن نیازهای مادی افراد، دقیقاً به علت فقر، احساس بی‌قدرتی و از خودبیگانگی مطرح می‌گردد و عدم امکان برخورداری از حقوق فردی و اجتماعی رخ می‌دهد و نهایتاً مجموعه این عوامل به فشارها و تنش‌های روحی و روانی فقرا می‌انجامد. بدون مشارکت مردمی معنادار در رخدادهای فرایندهایی که زندگی مردم را شکل می‌دهد، مسیرهای توسعه انسانی به درستی شکل نمی‌گیرد. همچنان که مردم نیز خواهان فرصت‌های بیشتر برای انعکاس خواست‌ها، اثرگذاری بر سیاست‌ها هستند.

«مهم‌ترین تفاوت‌ها آنهایی هستند که به معنای اجتماعی کلمه، ساختاری و جزء لاینفک کنش افراد شده‌اند.»^{۲۱} برخی از نظریه‌پردازان معتقداند که نابرابری در اصل مبتنی بر تفاوت‌هایی است که جامعه در برخورد و رفتار با افراد بین آنها قائل می‌شود و مشخصه‌هایی چون طبقه اقتصادی، نژاد، جنسیت و امثال اینها که به صورت اجتماعی تعریف شده‌اند نوع این روابط را مشخص می‌کند^{۲۲} و در مقابل برخی دیگر بنیان‌های اصلی نابرابری را صرفاً در تفاوت‌های فردی در توانایی‌های ذاتی و انگیزه و تمایل به سخت‌کوشی و مانند اینها می‌دانند.^{۲۳} به نظر می‌رسد این نظریه‌پردازان آگاهانه بر واقعیاتی چون مفهوم توزیع نابرابر قدرت، فرصت و امکانات چشم می‌پوشند. شاید بتوان گفت که شرایط ناهنجار آموزش و برخورداری از مهارت‌ها، بهداشت و سلامت، محیط نامساعد زندگی و ... همه آثار فقر است که خود زاده سازمان اجتماعی است.

آمار نرخ مرگ و میر و نیز محرومیت‌های دیگر مانند تغذیه ناکافی یا بی‌سوادی می‌توانند مستقیماً تصویری از نابرابری و فقر را در بعضی ابعاد مهم ارائه کنند. «چون درآمد یک وسیله مهم برای بهبود قابلیت‌هاست و از آنجایی که قابلیت‌های گسترش یافته در هدایت یک زندگی نوعاً، به گسترش توانایی‌های یک فرد برای اینکه مولدتر باشد و درآمد بیشتری کسب

۲۰. ر. شوپرت، «فقر در کشورهای در حال توسعه: تعریف، وسعت و رهنمودها»، ترجمه تیمور محمدی، نشریه برنامه و بودجه ۲ (۱۳۷۰)، ۸۶.

۲۱. ادوارد گرب، نابرابری اجتماعی: دیدگاه‌های نظریه‌پردازان کلاسیک و معاصر، ترجمه محمد سیاهپوش و احمد غروی نژاد (تهران: نشر معاصر، ۱۳۷۳)، ۱۰.

22. See: M. Weber, *The Theory of Social and Economic Organization* (New York: Free Press, 1970).

23. See: O. Lewis, "The Culture of Poverty," *Scientific American* 215 (1966): 19-25.

کند می‌انجامد؛ اگرچه انتظار می‌رود که ارتباطی هم از بهبود قابلیت به قدرت کسب درآمد بیشتر ایجاد شود و نه فقط از طرف درآمد به قابلیت‌ها.^{۲۴} احساس نابرابری می‌تواند به فرسایش انسجام اجتماعی نیز بینجامد. صرف‌نظر از اینکه جامعه در چه سطحی از توسعه‌یافتگی باشد، زندگی در محیط فلاکت‌بار همواره برای موجودات انسانی طاقت‌فرساست. افراد فقیر نه قدرت دارند و نه صدا و آرای. افراد فقیر از شرکت در مشورت دربارهٔ امور مشترک کنار گذاشته می‌شوند. برای آنها دموکراسی فقط جنبهٔ صوری دارد و مبارزات آنها همواره به نابرابری کشانده می‌شود.^{۲۵} سیاست‌های اجتماعی دولت‌ها در تعیین مسیر و میزان نابرابری فرصت‌ها و درآمدها مهم است. در حالی که رشد اقتصادی فاکتوری عمده در کاهش فقر محسوب می‌شود، رفع نابرابری‌ها می‌تواند به صورت چشمگیری فقر را کاهش دهد. چرا که رشد در کشورهای دارای سطح بالای نابرابری چندان در کاهش میزان فقر موفق عمل نکرده است؛ هرچند که وضع توزیع درآمدها بدتر نشده باشد.^{۲۶}

پویایی اجتماعی^{۲۷} نیز عمیقاً به نابرابری وابسته است. ارتباط بین نابرابری و فقر می‌تواند خود را به شکل راحتی با دشواری‌ای که اشخاص می‌توانند از نردبان اجتماعی، اقتصادی جامعه بالا رفته و زندگی بهتری از نسل قبل خود داشته باشند، نشان دهد.^{۲۸} در این راستا می‌توان موضوعاتی را به اختصار مورد توجه قرار داد؛ دسترسی به آموزش و تغییر وضعیت اجتماعی و اقتصادی به وضوح مرتبط هستند. هرچند که شکاف‌های حقیقی میان کودکان اقشار مختلف با پیش‌زمینه‌های مختلف تأثیر زیادی بر بهبود ظرفیت‌های انسانی دارد. چنانکه این شکاف در کودکان خانوارهای محروم‌تر با گذشت زمان تمایل به گسترش بیشتری دارد و در تحمیل موانعی بر انتخاب‌های این افراد از قبیل انتخاب انصراف از تحصیل و پیوستن به نیروی کار، ناتوانی در پرداخت هزینه‌های تحصیل و ... خود را می‌نمایاند. ضمن اینکه انواع تبعیض‌ها مسئله را بغرنج‌تر هم می‌کند. وضعیت بهداشت هم سهم مهمی در تغییر وضعیت اجتماعی و اقتصادی به سوی بهبودی دارد. وضعیت سلامت مطلوب از پیش‌شرط‌های توسعهٔ

۲۴. سن، پیشین، ۱۳۰.

۲۵. هانری بارتلی، «پیشرفت و فقر: مفاهیم و دیالکتیک آنها از تمدن‌ها و فرهنگ‌ها» در فقر، پیشرفت و توسعه، پاول مارک هنری، ترجمه مسعود محمدی (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴)، ۳۷-۳۸.

26. Department of Economic and Social Affairs, Report of the World Social Situation, United Nations, 2013, 66.

27. Social Mobility

28. Department of Economic and Social Affairs, Report of the World Social Situation, United Nations, 2013, 68.

سایر قابلیت‌ها برای رهایی از چالش فقر محسوب می‌شود. سلامت ضعیف که خود از نابرابری در برخورداری از امکانات و مراقبت‌های بهداشتی به واسطهٔ اقشار محروم ناشی می‌شود، نهایتاً بر نابرابری‌های درآمدی و غیردرآمدی می‌افزاید. به طوری که از مشکلات یادگیری در کودکان دارای مشکلات سلامت و بیکاری یا کارایی ناکافی بزرگسالان با چنین مشکلاتی، نابرابری بیشتر را به دنبال دارد.

نابرابری‌های اقتصادی، عدم مشارکت سیاسی را هم به دنبال شنیده نشدن فقرا در پی دارد که در نهایت به وقوع تنش‌های اجتماعی منجر می‌شود. چرا که آنها توانایی بهبود وضعیتشان از طریق مشارکت و تأثیرگذاری بر تصمیمات و سیاست‌هایی که بر زندگی آنان تأثیرگذار است را ندارند. در حالی که با تأکید بر انصاف، در راستای حل مشکل نابرابری، برخورداری مساوی از فرصت‌ها برای همگان و تقویت فضایی برای نقش‌آفرینی که همهٔ اعضای جامعه در آن از شانس برابر برای مشارکت در فعالیت اجتماعی، تأثیرگذاری سیاسی و خلاقیت و تولیدکنندگی برخوردار باشند، ضمن داشتن تأثیر مطلوب بر کاهش فقر، به توسعه‌ای پایدار می‌انجامد.^{۲۹}

۱-۲- لزوم رفع خشونت، کاهش فقر و تحکیم صلح بین‌المللی

امروزه این نکته قابل تأمل دانسته می‌شود که با توجه به اینکه روی دیگر امنیت، خشونت و درگیری است، باید دیدگاه جامعی نسبت به آنچه سبب خشونت می‌شود، داشت تا بتوان به درستی از آن پیشگیری کرد. یکی از محرک‌های خشونت که اغلب مورد بررسی قرار می‌گیرد، موضوع فقر یا استرس‌های اقتصادی است. این مبحث در گزارش توسعهٔ سال ۲۰۱۱ بانک جهانی نیز در کنار موضوعات امنیت و عدالت از جمله محرک‌های خشونت و درگیری شناخته و مورد تحلیل واقع شده است.^{۳۰} با توجه به اینکه اساساً تلاش‌های توسعه در رابطه با صلح و امنیت بین‌المللی مدنظر قرار گرفت، موضوع خشونت، مانعی برای تحقق توسعه و اهداف آن خواهد بود. در رابطهٔ میان فقر و خشونت می‌توان به نوعی چرخه اشاره کرد. به این معنا که سابقهٔ درگیری و خشونت در یک جامعه، به فقر هرچه بیشتر و تأخیر و عدم توازن پروسهٔ رشد انجامیده و فقر نیز - علی‌رغم اینکه گفته می‌شود شاید در یک رابطهٔ غیرمستقیم - به خشونت و بلاشک به آسیب‌پذیری در برابر خشونت، منتهی می‌شود. یکی از یافته‌های

29. World Bank, World Development Report, Washington, D.C., 2006, 2.

30. World Bank, The World Development Report 2011, Chap. 1.

ادبیات تحقیق پیرامون دلایل جنگ‌های داخلی ارتباط فقر - خشونت است.^{۳۱} در نهایت آنچه تهدید می‌شود، توسعه، صلح و امنیت انسانی است.

مسئله از درک این نکته آغاز می‌شود که در یک محیط کم‌درآمد، هزینه فرصت درگیر شدن در خشونت می‌تواند اندک باشد. کشورهای با آهنگ توسعه آهسته و اقتصاد کم‌درآمد، بیشتر از سایر کشورها احتمال تجربه جنگ داخلی را دارند و باید گفت که درآمد سرانه پایین با قابلیت‌های نهادی محدود مرتبط است که بنابراین کشوری با قابلیت‌های نهادی ناکافی به واسطه نداشتن ظرفیت شناسایی خشونت‌ها و نیز قرار گرفتن در سطحی از حکمرانی ناکارآمد برای رشد اقتصادی احتمال وقوع خشونت را افزایش می‌دهد.^{۳۲}

هرچند که گفته می‌شود برای تدقیق رابطه میان بیکاری و گرایش به خشونت هنوز به تحقیقات و مطالعات بیشتری نیاز است، اما به هر روی برخی از مطالعات انجام‌شده، وجود بیکاری را از مهم‌ترین فاکتورهای پیوستن افراد جوان به حرکت‌های طغیانگرانه به حساب آورده‌اند.^{۳۳} به بیان ساده‌تر، پیوستن به یک گروه مسلح به خصوص برای مردان جوان بیکار در زمانی که امکان کسب درآمد به صورت مشروع کمیاب باشد، بسیار جذاب جلوه می‌کند.^{۳۴} در بسیاری از جنگ‌های امروزه هم اثر چنین متغیری قابل ردیابی است.^{۳۵} در هر صورت باید توجه داشت که رابطه بیکاری و خشونت دربرگیرنده موضوعات هویت اجتماعی و استثنای ناشی از محرومیت اجتماعی هم می‌شود. در واقع این بحث می‌تواند انعکاسی از رابطه غیرمستقیم مسائل اقتصادی به واسطه تأثیر بر مفهوم کرامت، احترام و هویت بر میزان خشونت باشد.

به طور کلی بیشتر نزاع‌های امروز از داخل مرزهای نواحی‌ای نشأت می‌گیرد که سابقاً از حاشیه‌نشینی، عدم برخورداری از صدا یا آرایی برای مشارکت و فقر شدید رنج برده‌اند.^{۳۶}

31. Edward Miguel, "Poverty and Violence: An Overview of Recent Research and Implications for Foreign Aid," in *Too Poor for Peace? Global Poverty, Conflict and Security in the 21st Century*, ed. Lael Brainard and Derek Chollet (Washington, DC: University of California, 2007), 51.

32. J. Fearon and D. Laitin, "Ethnicity, Insurgency and Civil War," *American Political Science Review* 97 (2003): 75-90.

33. See: D. Narayan and P. Petesch, *Moving Out of Poverty: Rising from the Ashes of Conflict*, (Washington, DC: World Bank, 2010), 2-25.

34. P. Collier and A. Hoeffler, "On the Incidence of Civil War in Africa," *Journal of Conflict Resolution* 46 (2002): 13-28.

۳۵. «در سیرالئون کمبود شدید فرصت‌های اشتغال با تنزل فرصت‌های تحصیلی همبستگی داشته و در چنین شرایطی بسیاری از جوانان به شورش به عنوان میانبری به ثروت و مقام روی می‌آورند.»

J. Goodhand, "Violent Conflict, Poverty and Chronic Poverty" (Working Paper No. 6, London: Chronic Poverty Research Center, 2001), 25.

36. *Ibid.*, 26

محتمل است تغییرات جمعیتی سریع به ویژه در قالب شهرنشینی که اصولاً به واسطه توسعه غیرمتوازن اتفاق می‌افتد - به طوری که بیشتر در آمریکای لاتین و امروزه در آسیا و آفریقا رخ می‌دهد^{۳۷} - با ضعف انسجام اجتماعی و افزایش خطر خشونت همراه گردد. در واقع خانوارهای فقیر در واکنش به نابرابری جغرافیایی و اوضاع ضعیف معاش روستایی به شهرها پناه می‌برند؛ در حالی که اغلب به دشواری می‌توانند در جایی غیر از حلیی‌آبادها یا حاشیه شهرها، مکانی برای پذیرش خود دست و پا کنند که می‌توان گفت به علت توسعه نیافتگی، خرده فرهنگ‌های خاصی در آن مشاهده می‌شود. آسیب پذیرترین گروه‌ها در جامعه، اغلب به راحتی از خشونت متأثر می‌شوند. بسته به مکان زندگی یا کارشان، اقشار آسیب پذیر به ندرت از حمایتی که شهروندان برخوردار از مکان مناسب زندگی برخوردارند، بهره‌مند می‌شوند.^{۳۸} بررسی وضعیت افرادی که از جنگ تأثیر پذیرفته‌اند نیز در این رابطه قابل تأمل است؛ تغذیه ضعیف کودکان آواره شده یا فاقد درآمد به واسطه جنگ، اثرات طولانی مدت جسمانی و شناختی بر جای می‌گذارد.^{۳۹} به بیان دیگر در واقع فقر، خشونت را در پی دارد و خشونت خشونت می‌زاید؛ ضمن اینکه توسعه اجتماعی و رفع فقر در جامعه درگیر و متأثر از خشونت، به سختی محقق می‌شود.

به طور کلی دستیابی به اهداف توسعه هزاره در مناطق متأثر از نزاع و درگیری بسیار دشوار به نظر می‌رسد. کاهش فقر در چنین کشورهایی به طور متوسط همواره کندتر از کشورهایی که این تجربه را نداشته‌اند صورت می‌گیرد.^{۴۰} اثرات نفاق افکن خشونت بر توسعه و شکاف در حال گسترش میان کشورهای دارای تجربه جنگ و سایر کشورها در دسرساز خواهد بود. ضمن اینکه باید به این نکته توجه داشت که «زندگی فارغ از تهدید خشونت‌های مسلحانه یک نیاز ابتدایی بشری محسوب می‌شود».^{۴۱}

37. World Bank, "Violence in the City: Understanding and Supporting Community Responses to Urban Violence", (Working Paper, Washington, DC: World Bank, 2010), 18.

۳۸. آلن بوئر، اگزویه روفر، *خشونت و ناامنی شهری*، ترجمه محمدرضا گودرزی (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۲)،

۱۰۰.

39. See: American Psychological Association, "Violence and the Family" *Report of the American Psychological Association Presidential Task Force on Violence and the Family*, (1996).

40. "The Geneva Declaration on Armed Violence and Development: A Vision of Hope", UNDP, <http://www.europe.undp.org/content/geneva/en/home/ourwork/democratic-governance-and-peacebuilding/successstories/the-geneva-declaration-on-armed-violence-and-development--a-visi.html>.

41. The Geneva Declaration on Armed Violence and Development, Geneva, 7 June 2006 .

۲- سیاستگذاری اجتماعی برای کاهش فقر

افراد فقیر غالباً از آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه‌اند، زیرا بیش از دیگران در معرض انواع تهدیدها هستند. حوادث طبیعی، ناامنی در محیط کار و زندگی، قرار گرفتن در معرض بیماری‌های خطرناک، شوک‌های اقتصادی و ... همگی زندگی اقشار ضعیف و محروم جامعه را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد و می‌تواند اثرات کاملاً پایداری از خود بر جای نهد. از این رو طراحی و اجرای درست ساز و کارهایی برای کاهش اثرات این بحران‌ها، مانند ارائه فرصت‌های برابر برای اشتغال، آموزش، خدمات بهداشتی یا به وجود آوردن یک شبکه حمایتی، همچون بیمه یا تأمین اجتماعی و ... درخور توجه است. گسترش اشتغال محل تلاقی برجسته‌ای میان اندیشه‌های مربوط به رشد اقتصادی از یک سو و توسعه و کاهش فقر از سوی دیگر را شکل می‌دهد. گفته می‌شود که رفع فقر بدون رشد پایدار درآمد سرانه و ایجاد شغل غیرممکن است و رشد اقتصادی، بدون تغییر برخی ساختارها به وقوع نمی‌پیوندد.^{۴۲} به طور کلی در مرکزیت رویکرد سازمان ملل راجع به اشتغال کامل و مولد، ماده ۲۳ اعلامیه حقوق بشر قرار دارد که می‌گوید هر شخصی حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه برگزیند، شرایط منصفانه و رضایت‌بخشی برای کار خواستار باشد و در برابر بیکاری حمایت شود. هرچند که این موضوع با جزئیات بیشتر در اجلاس جهانی توسعه اجتماعی مورد تأکید قرار گرفت و رهبران دنیا به قرار دادن موضوع ایجاد اشتغال شایسته و مولد در مرکزیت سیاست‌های ملی مربوطه‌شان ملتزم شدند. سیاست‌هایی که تقاضا برای بازار کار را تقویت می‌کنند، می‌توانند تأثیرات اجتماعی مطلوبی از خود بر جای گذارند.^{۴۳} همچنان که سیاست‌های حمایت اجتماعی و تأمین خدمات عمومی ضروری در بعد داخلی چنین تأثیری می‌آفریند.

دولت نقش محوری در مبارزه با فقر دارد و گفته می‌شود برای مبارزه با فقر و نابرابری باید از دو راهبرد استفاده کند؛ یکی بهبود محیط کسب و کار و فراهم ساختن زمینه‌های سرمایه‌گذاری خصوصی و رشد اقتصادی و دیگری توانمندسازی فقرا، ایجاد فرصت‌های

42. Lance Taylor, "Growth, Development Policy: Job Creation and Poverty Reduction," (DESA Working Paper No. 90, December 2009), 15.

43. A. Fosu, "The Social Impact of Globalization: The Scope for National Policies," in: *Understanding Globalization, Employment and Poverty Reduction*, ed. M. Vivarelli and E Lee (New York: Palgrave Macmillan, 2004), 327-348.

مناسب و امنیت لازم برای آنها.^{۴۴} سیاست‌های فقرزدایی معطوف به رویکردهای حمایت‌گرایی نیز امروزه در مجامع بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است. کائوشیک باسو پیشنهاد می‌کند که به جای اینکه نگران درآمد سرانه ملت به عنوان یک کل باشیم، رویکردهای حمایتی دولت باید معطوف و متوجه پنجک انتهایی درآمد سرانه باشد.^{۴۵}

ارتقای شرایط مشارکت همگانی به ویژه در مورد فقرا از ضروریات کارایی استراتژی‌های کاهش فقر محسوب می‌شود. تنها از طریق مشارکت در فرایندهای اداری و سیاسی رسمی کشور است که این افراد هم می‌توانند بر لحاظ نیازها و شرایط خود در اولویت‌های تخصیص بودجه، انواع سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های نیل به توسعه تأکید نمایند. توسعه فرصت‌های اقتصادی برای افراد فقیر و کم‌درآمد به توانمندسازی آنان کمک می‌کند. همچنین پیش‌بینی راهکاری مساعد برای ارائه خدمات اساسی با در نظر گرفتن نیاز آنان و کیفیت خدمات از جمله موضوعات مؤثر بر افزایش قابلیت‌های افراد فقیر است. محیط اجتماعی سیاسی یکی از تعیین‌کننده‌های اصلی در زمینه کفایت پروسه تبدیل رشد به توسعه و کاهش فقر است؛ چرا که مثلاً سطوح بالاتر نابرابری، کارایی رشد در کاهش فقر را تنزل می‌دهد.^{۴۶} توجه به این نکته نیز لازم است که مردم به شیوه‌های متفاوتی فقر را تجربه می‌کنند؛ اصولاً اگر قرار باشد سیاستی در رابطه با کاهش فقر شانس موفقیت داشته باشد، می‌بایست در قالب یا بستر محض همان کشور یا منطقه خاص طراحی شود. سیاست‌ها از آنجا که نوعاً چندمتغیره هستند، گاه پیش‌بینی برخی از اثرات آن دشوار است. مثلاً سیاستی ممکن است زندگی برخی افراد را بهبود بخشد، در حالی که برخی دیگر را در فقر شدیدتری گرفتار می‌آورد.

۲-۱- اشتغال، کاهش فقر و توسعه اجتماعی

مهم‌ترین تأثیر مشاغل بر خود افرادی که آنها را برعهده دارند، واقع می‌شود. اشتغال درآمد و دستیابی به مزایا و بیمه را به همراه دارد و اغلب وسیله‌ای برای رضایتمندی بیشتر از زندگی محسوب می‌شود. عمده فاکتورهای مؤثر بر توسعه اجتماعی دستیابی به کار را تسهیل می‌کند و بسیاری از این فاکتورها با برخورداری از یک شغل شایسته فراهم یا تقویت می‌گردد.

۴۴. بهروز هادی زوز، «فقر و نابرابری درآمد در ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی ۱۷ (۱۳۸۴): ۱۶۶.

۴۵. کائوشیک باسو، «درباره اهداف توسعه» در پیشگامان اقتصاد توسعه: آینده در چشم‌انداز، ویراستار جرالند میر و جوزف استیگلیتز، ترجمه غلامرضا آزاد ارملی (تهران: نشر نی، ۱۳۸۲)، ۹۲.

46. Martin Ravallion, "Can High-Inequality Developing Countries Escape Absolute Poverty?," (Policy Research Working Paper 1775, Washington Dc.: World Bank, June 1997), 12.

همچنین صرف‌نظر از اهمیت شغل برای خود افراد، مشاغل موضوع قابل توجهی برای جوامع انسانی به شمار می‌روند؛ چون بر درآمدها، فرصت‌های اشتغال و ظرفیت جمعی برای مدیریت تنش‌های اجتماعی مؤثر است و عامل و ابزاری جدی در دستیابی به بسیاری از اهداف اجتماعی مانند کاهش فقر می‌باشد.

گرایش کلی اجلاس توسعه اجتماعی بر مدار آفرینش جامعه‌ای برای همه می‌گردد. ایده کار شایسته برای همگان استنباطی منطقی از چنین اصلی به شمار می‌رود.^{۴۷} در اعلامیه کپنهاگ راجع به توسعه اجتماعی دولت‌ها اینگونه تعهد خود در رابطه با ایجاد اشتغال را مطرح نموده‌اند: «ما خود را به تقویت هدف اشتغال کامل به عنوان یک اولویت اولیه در سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی خویش و تواناسازی همه مردان و زنان به دستیابی به زندگی و معاشی امن و پایدار از طریق برخورداری از اشتغال مولد و منتخب فرد، متعهد می‌کنیم.» این سند نشان می‌دهد که در زمان برگزاری این اجلاس، سازمان ملل و سران کشورها به نقش مؤثر اشتغال بر کاهش فقر و توسعه اجتماعی پی برده و بر آن تأکید نمودند. در اجلاس جهانی ۲۰۰۵ نیز رهبران دنیا به گنجاندن سیاست ایجاد شغل شایسته برای همه، شامل زنان و جوانان را در مرکزیت سیاست‌های ملی و بین‌المللی‌شان ملتزم شدند.^{۴۸}

درآمد حاصل از کسب و کار معیار مستقیمی است که در توسعه دخیل است و در سنجش سطح توسعه‌یافتگی کشورهای مختلف لحاظ می‌گردد. باید توجه داشت که تغییر در وضعیت استانداردهای زندگی، بهره‌وری اقتصادی و انسجام اجتماعی به واسطه عاملی به نام کار با سرعت بیشتری از طریق سرمایه‌گذاری بر کودکان، امکان کسب مهارت‌های جدید و مشارکت بیشتر افراد در جامعه به وقوع می‌پیوندد. بنابراین توانمندسازی می‌تواند مبنای دقیقی برای توسعه اجتماعی و رفع فقر از طریق سیاست‌گذاری‌های مربوط به اشتغال محسوب شود. تغذیه مکفی، بهداشت و آموزش علاوه بر اینکه از موضوعات مورد تأکید توسعه اجتماعی به شمار می‌روند، مستقیماً شرایط زندگی انسانی را بهبود می‌بخشند. آنها افراد را برای شغل‌های مولد و استفاده از فرصت‌های مطلوب کاری تجهیز می‌کنند که از طریق این کانال‌ها پیشرفت‌های اقتصادی و اجتماعی قابل دستیابی است.^{۴۹}

47. Department of Economic and Social Affairs, *The Employment Imperative: Report on the World Social Situation* (New York: United Nations, 2007), 4-5.

48. General Assembly Resolution 60/1, 2005, Para. 47.

49. World Bank, *World Development Report 2013*, Chap. 9, 296.

در راستای توسعه اجتماعی برابری گروه‌های اجتماعی از ارکان اصلی برای تحقق مشارکت همگانی است که می‌بایست به صورت کارآمد توانمند گردیده باشد. از این رو وضعیت جوانان برای برخورداری از شغل در حالی که با تبعیضات بسیاری مواجهند، مسئله‌ای درخور توجه است. علاوه بر اینکه گفته می‌شود که خطر بیکاری در آینده برای آنان که انتقال دشواری از مدرسه به کار داشته‌اند، بالاتر است^{۵۰} و بدیهی است که بیکاری اثرات زیان‌بار بسیاری برای فرد و اجتماع به دنبال دارد.^{۵۱}

مشاغلی که به واسطه زنان برعهده گرفته می‌شود، می‌تواند به سایر اعضای جامعه مانند خود زنان برعهده‌گیرنده این مشاغل منفعت برساند. علاوه بر این، بدین ترتیب جامعه از نیروی همه شهروندان و نه فقط مردان برای توسعه‌ای همه‌جانبه استفاده می‌کند. اشتغال بیرون از خانه اصولاً زنان را توانمند می‌سازد. ضمن اینکه سهیم بودن اعضای مختلف خانواده در درآمد، در وضعیت مخارج تغییراتی می‌دهد. با توجه به افزایش جمعیت سالخورده اجتماع، لزوم باز شدن بازار کار برای این افراد فواید متعددی برای تقویت کرامت انسانی شخص و رشد جامعه به دنبال دارد. از این رو اصلاحات سیاسی و قانونی برای شناخت برابری بیشتر با توجه به نژاد، جنسیت و سن به منظور بالا بردن آگاهی شغلی و دستیابی به اهداف مطروحه در فرایند توسعه اجتماعی ضروری تلقی می‌گردد. بنابراین سیاستگذاری مطلوب می‌بایست تغییرات ترکیب جمعیتی را ملحوظ نظر قرار داده، نیازهای اجتماع را شناسایی نماید و در این راستا وضع قواعد ضد تبعیض هم باعث می‌شود مشاغل شایسته و منافع توسعه اقتصادی و اجتماعی به صورت نامتناسب به نفع طبقه ممتاز تقسیم نشود.

بهبود وضعیت اشتغال روستایی برای کاهش فقر و رشد ناشی از کشاورزی مهم است چرا که بسیاری از جمعیت فقیر کشورها در روستاها ساکن‌اند^{۵۲} و افزایش بهره‌وری از بخش کشاورزی بر درآمدها و دستمزدهای روستایی تأثیر جدی داشته، بر قیمت غذا مؤثر است و در سطح کلان باید گفت که رشد کشاورزی پیشگام وقوع رشد در هر نقطه دیگری از جامعه می‌باشد. هرچند که باید توجه داشت که رشد جمعیت روستایی در سطحی فراتر از فرصت‌های کار کشاورزی موجود و بالقوه، به لزوم ایجاد اشتغال و کاهش فقر اشاره می‌کند.

50. David Bell and David G. Blanchflower, "Youth Unemployment: *Déjà Vu?*," *Stirling Economics Discussion Paper* (2010): 16. <https://ssrn.com/abstract=1545132>.

51. See: W. Narendranathan and P. Elias, "Influences of Past History on the Incidence of Youth Unemployment: Empirical Findings for the UK," *Oxford Bulletin of Economics and Statistics* 55 (1993): 161-185.

52. International Labour Office, Promotion of Rural Employment for Poverty Reduction, International Labour Conference, 97th Session, 2008, Para. 331

در این راستا به زمامداری ضمن تغییرات نهادی و ساختاری و توجه به لزوم سرمایه‌گذاری در مناطق روستایی و در واقع لزوم توجه به تعادل وضعیت توسعه‌یافتگی همه نواحی، می‌تواند چارچوبی برای ایجاد اشتغال و رشد و توسعه مناطق روستایی فراهم آورد.^{۵۳}

اگر کار بتواند ارزش‌ها، رفتارها و نگرش‌های مردم را تغییر دهد، می‌تواند بر نحوه عملکرد جوامع تأثیر بگذارد، به ویژه بر اینکه چگونه گروه‌های مختلف اجتماعی می‌توانند تنش‌های موجود را حل و فصل یا مرتفع سازند و یا آنکه در تصمیم‌گیری‌های جمعی مشارکت کنند. در نگاهی دقیق‌تر درمی‌یابیم که هویت اجتماعی افراد به خصوص قشر جوان به واسطه هنجارها و روابط شغلی می‌تواند رفتار و نگرش فرد را شکل دهد که این مسئله می‌تواند به طور جدی بر انسجام اجتماعی در یک جامعه مؤثر باشد. همچنین دسترسی عادلانه به شغل یا به بیان بهتر برابری فرصت‌ها در دستیابی به کاری که بر اساس شایستگی افراد به آنان محول می‌شود، علاوه بر افزایش امکان تحرک و پویایی اجتماعی، نقش مهمی در شکل‌گیری احساس انصاف در جامعه و فی‌مابین گروه‌های اجتماعی ایفاء می‌کند. چنانکه در اجلاس سران راجع به توسعه اجتماعی نیز عدالت اجتماعی را به عنوان زیرمجموعه‌ای از لزوم تعهد به تقویت انسجام اجتماعی شناسایی می‌کند. در توسعه اجتماعی، توسعه باید در خدمت مردم باشد.

یکی از پیش‌شرط‌های بهبود شرایط زندگی افراد جامعه وجود فضای سیاستی مساعد برای ایجاد شغل توسط بخش خصوصی است. رشد اساس توسعه است و بخش خصوصی منشأ و محرکی برای دستیابی به رشد بیشتر محسوب می‌شود.^{۵۴} رشد لازم است که از نظر اقتصادی، اجتماعی و محیطی پایدار باشد و در حدود موضوع مورد بررسی توجه به اینکه رشد تا چه اندازه به ایجاد فرصت‌های اشتغال بیشتر منجر می‌شود مشخص می‌کند که آیا رشد ضد فقر عمل می‌کند یا خیر. در این میان مدیریت صحیح کمک‌های خارجی برای کشورهای در حال توسعه و به کارگیری دانش علمی و استفاده از تکنولوژی‌های روز برای رشد اقتصادی و اجتماعی جامعه نباید دور از نظر قرار گیرد.

۲-۲- نظام‌های حمایت اجتماعی، کاهش فقر و توسعه اجتماعی

نرخ بالای رشد اقتصادی برای برآمدن از عهده فقر و آسیب‌پذیری هرچند لازم، اما ناکافی است. در نگرشی مبتنی بر اصول توسعه اجتماعی، رشد مستلزم اقداماتی تکمیلی است که

53. *Ibid*, Para. 336-338.

۵۴. رضا اسلامی، لادن فرومند، خصوصی‌سازی و توسعه حقوق بشر (تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۳)، ۲.

منافع اقتصادی آن را منصفانه تقسیم کرده و عواید ناشی از توسعه بیشتری نصیب فقیران و گروه‌های مطرود اجتماعی کند. در همین راستا مؤسسه تحقیقات سازمان ملل برای توسعه اجتماعی^{۵۵} حمایت اجتماعی جهانی و انصاف را به عنوان اهداف مرکزی سیاست‌گذاری اجتماعی معرفی می‌کند.^{۵۶} حمایت اجتماعی به سیاست‌ها و اقداماتی برمی‌گردد که ظرفیت اقشار محروم و آسیب‌پذیر اجتماع را برای فرار از فقر و مدیریت بهتر خطرات و شوک‌های اقتصادی ارتقا می‌دهد. این نظام می‌تواند توانمندسازی و امنیت مردمان را به واسطه بهبود وضعیت مدیریت بحران‌ها و خطرات، تقویت کرده، سرمایه‌گذاری بازگردنده فقرا را تسهیل نماید. توسعه سرمایه انسانی نیز به شکستن پروسه انتقال نسلی فقر کمک می‌کند.^{۵۷} به بیان دیگر چنین حمایتی، دسترسی به خدمات اجتماعی و سرمایه‌گذاری بر توسعه سرمایه انسانی به ویژه بهداشت و آموزش را افزایش داده، به افزایش بهره‌وری کمک کرده و مشارکت فقرا در زندگی اجتماعی و سیاسی را میسر می‌گرداند. البته حمایت اجتماعی هم با محرومیت و آسیب‌پذیری قطعی و محض فقیرترین گروه‌ها و هم با نیاز آنها که هنوز فقیر نیستند به امنیت در مواجهه با بحران‌ها و اتفاقات چرخه زندگی سر و کار دارد.^{۵۸} باید برای بحران آسیب‌پذیری نقش مؤثری در فقر و شکست توسعه قائل شد. مسائلی نظیر بلایای طبیعی، بحران‌های اقتصادی، ابتلا به HIV، درگیری‌های نظامی و فجایع زندگی شخصی می‌توانند زندگی افراد را به نابودی کشانده و در فراهم آوردن غذا، تحصیل، مراقبت‌های بهداشتی که کودکان نیاز مبرمی به آنها برای اجتناب از پدیده فقر مزمن به صورت مادام‌العمر دارند، اختلال ایجاد کند. از سوی دیگر بدون وجود حمایت اجتماعی، «در شرایط بحران یا صرفاً احتمال وقوع آن فقرا از مکانیسم‌های نجات‌دهنده‌ای استفاده می‌کنند که فقر را جاودانه می‌کند. بنابراین آسیب‌پذیری دلیل، نشانه و جزء متشکله فقر مزمن است و بحران می‌تواند فقر را ایجاد یا دائمی گرداند.»^{۵۹}

55. United Nations Research Institute for Social Development

56. UNRISD, *Transformative Social Policy: Lessons from UNRISD Research*, UNRISD Research and Policy Brief 5, United Nations, New York, 2006.

57. OECD, *Social Protection, Poverty Reduction and Pro-Poor Growth*, Policy Guidance Note: Social Protection, 2009, 17.

58. A. Norton, and T. Conway and M. Foster, *Social Protection Concepts and Approaches: Implications for Policy and Practice in International Development* (London: Overseas Development Institute, 2007), 7.

59. M. Prowse, "Towards a Clearer Understanding of Vulnerability in Relation to Chronic Poverty" (Working Paper No. 24, University of Manchester, 2003), 8.

به نظر می‌رسد دستور کار توسعه سازمان ملل برای پیش از ۲۰۱۵ نقش کلیدی حمایت اجتماعی برای افزودن بر خروجی‌های توسعه و تضمین حضور و شمول همه گروه‌ها در توسعه اجتماعی و اقتصادی جامعه را به عنوان ابزاری برای مبارزه با نابرابری درک نموده است. زیرا اعلام می‌کند که «برنامه‌های پایدار حمایت اجتماعی نظم‌یافته و مشروع می‌بایست جزئی از استراتژی‌های توسعه برای دستیابی به توسعه‌ای پایدار، منصف و فراگیر باشد.»^{۶۰} مستندات تحلیل‌های کمی چندگانه در برخی کشورهای در حال توسعه، نشان داده است که سطوح اولیه حمایت اجتماعی قابلیت مدیریت شدن و تقبل را دارد.^{۶۱} از این رو چنین راهبردی به صورت فزاینده‌ای به عنوان ابزاری برای سیاستگذاری که می‌تواند خروجی‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی در پی داشته باشد، پذیرفته می‌شود.^{۶۲} در همین راستا، حمایت اجتماعی دوره‌ای از ارزش‌گذاری و احیاء را در مذاکرات توسعه تجربه می‌کند. کمیسیون سازمان ملل برای توسعه اجتماعی این مفهوم را تحت عنوان موضوعات در حال ظهور در چهل و نهمین جلسه خود مورد بررسی و مباحثه قرار داد^{۶۳} و شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل نیز ارتباط عمیق این نظام با کاهش فقر، افزایش انسجام اجتماعی و در نتیجه با تحقق توسعه اجتماعی دریافته و بر آن تأکید نموده است.^{۶۴} سند نهایی اجلاس اهداف توسعه هزاره مجمع عمومی که به صورت کنسنسوس در ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۰ به تصویب رسید، مفهوم حداقل حمایت اجتماعی را در میان سیاست‌های موفق توسعه ملحوظ نظر قرار می‌دهد. سند مزبور این طور بیان می‌کند: «تقویت دسترسی همگانی به خدمات اجتماعی و تدارک حداقل حمایت اجتماعی می‌تواند سهم مهمی در یکپارچگی و دستیابی به منافع بیشتر توسعه داشته باشد.»^{۶۵} در زمینه حمایت اجتماعی، اصولاً دو نوع اقدام کلی قابل تشخیص است:

60. ECA, ILO, UNCTAD, UNDESA, UNICEF, UN System Task Team on the Post-2015 UN Development Agenda, Social Protection: A Development Priority in Development Agenda, Thematic Think Piece, May 2012, 3.

61. International Labour Organization, *Can Low-Income Countries Afford Basic Social Security?* (Geneva: ILO, 2008), 1-23.

۶۲. ایروان مسعود اصل، *نظام رفاه اجتماعی در جهان: مطالعه تطبیقی* (تهران: دفتر مطالعات اجتماعی مرکز

پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸)، ۶۵.

63. E/CN.5/2011/1.

64. E/RES/2012/9.

65. General Assembly, *Keeping the Promise: United to Achieve the Millennium Development Goals*, A/65/L.1, New York, 2010, 5.

- مساعدت اجتماعی که برای انتقال منابع به گروه‌هایی که بنا به محرومیتشان شایسته چنین کمکی هستند، طراحی شده است. محرومیت می‌تواند مربوط به درآمد پایین یا سایر جنبه‌های فقر مانند محرومیت‌های اجتماعی باشد؛

- بیمه‌های اجتماعی نیز در واقع تأمین اجتماعی‌ای است که با مشارکت، بودجه‌شان تأمین می‌شود و بر مبنای اصول بیمه عمل می‌کنند؛ به این معنا که در این حالت این خانوارها یا افراد هستند که به واسطه ملحق شدن به منابع متمرکز شده گروه بزرگ‌تری از مردمی با همین شرایط، از خود در برابر خطرات حفاظت می‌کنند.

اتخاذ اقداماتی برای تقویت ظرفیت سیاست‌های عمومی جهت کمک به فقیرترین اقشار از اولویت‌های بسیاری از کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود. به طور کلی نکته قابل توجه در موفقیت برنامه‌های مزبور توجه به تأمین مالی پایدار این برنامه‌ها است. البته به نظر می‌رسد که اساساً قابلیت تقبل هزینه‌های مربوطه تا حدود زیادی موضوع خواست و اراده سیاسی است.^{۶۶} هرچند که اصولاً در این زمینه به فشار مالی تأمین هزینه‌ها برای دولت‌ها نیز اشاره شده است؛^{۶۷} اما با توجه به ثمراتی که این مکانیسم برای توسعه‌یافتگی اجتماعی به دنبال دارد، می‌توان راهکارهای شایسته‌ای برای مدیریت هزینه‌ها اندیشید. در حال حاضر، برنامه‌های مساعدت اجتماعی به خصوص در کشورهای کم‌درآمد زیر صحرای آفریقا عمیقاً به کمک‌های بین‌المللی وابسته‌اند. هرچند که این کمک‌ها به وجود چنین سیستمی کمک می‌کند ولی کشورهای دریافت‌کننده نیز می‌بایست فضای مالی لازم برای پایداری این کمک‌ها را فراهم آورند.

۳- همکاری بین‌المللی و مسؤولیت جهانی برای کاهش فقر

با توجه به تعامل و وابستگی دولت‌ها در این برهه زمانی، باید این ایده را بیشتر مورد تأکید قرار داد که «دولت‌ها در قبال مردم سایر کشورها و جامعه بین‌المللی نیز تعهداتی دارند. این تعهدات را می‌توان از مقررات موجود در حقوق بشر و از یک سلسله اصول حقوق بین‌الملل استنتاج نمود.»^{۶۸} بدیهی است که عوامل داخلی در کشورهای در حال توسعه نقش مهمی در

66. Commission for Social Development, Emerging Issues: Social Protection, Note by the Secretariat, February 9-18, 2011, Para. 31.

۶۷ هرمز همایون پور، مترجم، تأمین اجتماعی در اروپا: توسعه یا تعطیل (تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۷۹)، ۹۵.

68. A. Eide, "Report on the Right to Adequate Food as a human Right", E/CN.4/Sub.2/1987/23, (Human Rights Study Series No.1, Geneva: Sub-Commission on the Promotion and Protection of Human Rights, 1387), Para. 279.

افزایش یا کاهش فقر آنها ایفاء می‌کند، با این وجود، عوامل جهانی نیز بی‌نهایت دخالت دارند. در واقع هرچند دولت اقدام‌کننده در سطح ملی، مسؤولیت اولیه تحقق حقوق بشر برای مردم سرزمین خود را دارد، این امر آنچه را که اساساً تکلیف تکمیلی جامعه بین‌المللی برای جبران نقض حداقل سطوح ضروری حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، تضعیف نمی‌کند.^{۶۹} هرچند ممکن است ابهاماتی در مورد آنچه که همکاری بین‌المللی می‌تواند به لحاظ حقوقی شامل شود، وجود داشته باشد، طی سال‌های اخیر تلاش بسیاری برای بهبودی محتوای این تعهد محوری به عمل آمده است. اگرچه دیدگاه کشورها در مورد ماهیت حقوقی تعهد به همکاری بین‌المللی تا حدود زیادی متفاوت بوده است و مباحثات و بررسی‌های بسیاری از این حیث که برخی همکاری بین‌المللی را یک تکلیف به حساب آورده‌اند - به خصوص بر اساس اعلامیه حق بر توسعه و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی - و از سوی دیگر برخی آن را هرچند تعهد اما از نوع اخلاقی پنداشته‌اند و هیچ تعهد الزام‌آوری در این رابطه نمی‌شناسند، طی نخستین سال‌های هزاره فعلی شکل گرفته است.^{۷۰} اما به نظر می‌رسد که باید پذیرفت که با توجه به وجود اسنادی چون اهداف توسعه هزاره، اجتماعی راجع به لزوم وجود محیط بین‌المللی حمایتی و مبتنی بر همکاری برای نیل به توسعه، به دست آمده است. ضمن اینکه اهمیت این موضوع در رابطه با وقوع توسعه اجتماعی به واسطه تأکید بر همکاری بین‌المللی به عنوان عنصری برای مساعد نمودن محیط بین‌المللی برای این هدف، در بیانیه و برنامه عمل کپنهاک راجع به توسعه اجتماعی انعکاس یافته است. هرچند که هدف هشتم اهداف توسعه هزاره به مشارکت جهانی میان کشورها اشاره می‌کند، اما برخی این‌طور استنباط کرده‌اند که: «بار مسؤولیت برای اثربخشی به این مشارکت برعهده کشورهای توسعه‌یافته است.»^{۷۱} این در حالی است که باید متذکر شد که امروزه سهم بزرگی از رشد و پیشرفت کشورها ناشی از همکاری‌های جنوب - جنوب می‌شود و این نکته‌ای است که به روشنی در گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۳ به آن پرداخته و بر اهمیت آن تأکید شده است.

69. CESCR, General Comment No. 3, Para. 13.

70. Report of the Open-Ended Working Group on the Right to Development, E/CN.4/2001/26, Annex 3, Para. 48.

۷۱. مارگوت سالومون، مسؤولیت جهانی برای حقوق بشر، ترجمه فریده شایگان (تهران: نشر مجد، ۱۳۹۱)،

به طور کلی به نظر می‌رسد که می‌توان این اندیشه حقوقی را پذیرفت که «تعهدات رسمی مکرر، دلیل محکمی فراهم می‌کند مبنی بر اینکه برخی از اینگونه تعهدات به حقوق عرفی تبدیل شده‌اند. برای کشورها دشوار خواهد بود اصرار نمایند که مصرانه با چنین تحولی مخالفت کرده‌اند؛ در صورتی که آنها همچنان در بسیاری از زمینه‌ها به تأیید تعهد خود مبنی بر کمک به کشورهای در حال توسعه برای نیل به اهداف ملموس و به وضوح قابل حصولی چون اهداف توسعه هزاره ادامه می‌دهند.»^{۷۳} امروزه گفته می‌شود که علاوه بر طرح و تأیید موضوع مورد بحث در متون و اسناد^{۷۳} و کنفرانس‌های بین‌المللی،^{۷۴} این ضرورت، با اصل مسؤلیت مشترک تکمیل شده است.^{۷۵} همکاری بین‌المللی در راستای کاهش فقر، مسائلی چون دستیابی بهینه کشورهای کمتر توسعه یافته به بازارها و اعطای وام‌ها و حل مشکلات مربوط به بازپرداخت آنها، تسهیل دسترسی به دارو با قیمت مناسب، اعطای کمک‌های رسمی برای توسعه و ارائه فناوری یا انتقال تکنولوژی و ... را دربر می‌گیرد. اما به هر روی کمک و همکاری بین‌المللی با هدف کاهش فقر، باید منصفانه، شفاف و نسبت به نیازهای کشورهای در حال توسعه حساس باشد.^{۷۶} از این میان می‌توان برخی از مهم‌ترین ساز و کارهای همکاری بین‌المللی برای کاهش فقر را در حد مجال این کار پژوهشی مورد تأکید بیشتر قرار داد.

۳-۱- کمک‌های رسمی بین‌المللی در راستای کاهش فقر

با وجود برخی انتقادات، اهمیت کمک‌های رسمی بین‌المللی^{۷۷} به ویژه طی دهه گذشته بیشتر احساس می‌شود و این مسئله موضوع بحث و بررسی برخی مطالعات قرار گرفته است. می‌توان گفت که این افزایش توجه تا حدود زیادی به واسطه تأکید مجامع بین‌المللی بر دستیابی به اهداف توسعه شکل گرفته است. اعلامیه توسعه هزاره سازمان ملل به وضوح نقش کمک‌های رسمی بین‌المللی را در پروسه توسعه، شناسایی نموده و کشورهای صنعتی را

72. P. Alston, "Ships Passing in the Night: The Current State of the Human Rights and Development Debate Seen through the Lens of the Millennium Development Goals," *Human Rights Quarterly* 27, (2005): 778.

73. Universal Declaration of Human Rights, Articles 22 and 28; Convention on the Rights of the Child, Articles 4 and 24.

74. United Nations Conference on Environment & Development (1992); United Nations Millennium Declaration (2000); United Nations Conference on the Least Developed Countries: Declaration and Programme of Action (2001).

۷۵. برای اطلاعات بیشتر، نک: سالومون، پیشین، فصل ۵، ۳۲۰-۲۹۵.

76. P. Hunt, M. Nowak and S. Osmani, "Principles and Guidelines for a Human Rights Approach to Poverty Reduction Strategies", (Geneva, OHCHR, 2005), Para. 104.

77. Official Development Assistance

به «افزایش کمک‌های رسمی توسعه‌ای» متعهد می‌سازد. همچنین کنفرانس بین‌المللی راجع به تأمین مالی برای توسعه در مونترئی مکزیک در ۲۰۰۲ چنین نگرشی را مجدداً مورد تأکید قرار می‌دهد.^{۷۸} این توافقات بین‌المللی تمایل و فعالیت سیاسی برای کمک توسعه‌ای را بالا برده است.^{۷۹} کمک توسعه‌ای در بسیاری از کشورهای در حال توسعه منبع اصلی سرمایه‌گذاری خارجی و تهیه بودجه لازم برای توسعه محسوب می‌شود. اما باید توجه داشت که تکیه و تأکید بالا بر وابستگی به کمک‌های خارجی، بر ناپایداری توسعه مؤثر است. به بیان دیگر وقتی دولت‌ها وابستگی شدیدی به کمک‌ها دارند، نسبت به نوسانات جریان کمک‌های توسعه‌ای آسیب‌پذیر خواهند بود. مشکلاتی از این قبیل و اینکه برخی شواهد نشانگر تأثیر محدود کمک‌ها بر نتایج توسعه هستند، موضوع برخی تلاش‌های بین‌المللی از قبیل اعلامیه پاریس راجع به کارایی کمک‌های بین‌المللی در ۲۰۰۵ قرار گرفته است^{۸۰} و در این رابطه نحوه سیاستگذاری دولت‌های دریافت‌کننده کمک‌ها در خصوص چگونگی استفاده از آن بسیار مهم و تأثیرگذار به نظر می‌رسد.

از منظر سازمان ملل، کمک‌های خارجی شامل کمک‌های اقتصادی بلاعوض و خالص وام‌های درازمدت که به منظور هزینه کردن در حوزه غیرنظامی به وسیله دولت‌ها یا تشکیلات بین‌المللی پرداخت می‌شود، می‌گردد.^{۸۱} اعضای کمیته کمک‌های توسعه‌ای تعریفی را درباره اینکه چه نوع هزینه‌ای می‌بایست کمک رسمی توسعه‌ای به شمار رود، پیشنهاد نموده‌اند: «کمک رسمی توسعه‌ای به جریان سرمایه به کشورها و مناطق موجود در لیست دریافت‌کننده‌های کمک کمیته مربوطه و به نهادهای چندجانبه توسعه‌ای گفته می‌شود که توسط نهادهای رسمی، شامل کشورها و دولت‌های محلی یا نهادهای اجرایی آنها تأمین می‌شود و با هدف تقویت توسعه اقتصادی و رفاه کشورهای در حال توسعه و با مشخصه امتیازی بودن به آنها تخصیص داده می‌شود.»^{۸۲}

78. United Nations Monterrey Consensus on Financing for Development, Monterrey, Mexico, 18-22 March 2002.

79. UNDP, Towards Human Resilience: Sustaining MDG Progress in an Age of Economic Uncertainty, Chapter 5, 146.

80. See: Organization for Economic Cooperation and Development, The Paris Declaration on Aid Effectiveness and The Accra Agenda for Action, Paris, 2005 and 2008.

۸۱. همایون الهی، «کمک‌های خارجی: برای توسعه یا علیه توسعه»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی

دانشگاه تهران ۳۲ (۱۳۷۳)، ۱۵۰.

82. OECD, Is It ODA?, Factsheet, November, 2008, 1.

انگیزه‌های تأمین کمک‌های بین‌المللی در طول زمان و همراه با تحولات ایده‌های مربوط به توسعه و جدی شدن نگرانی‌ها و بحران‌های گوناگون در عرصه بین‌المللی تغییر می‌کند. کمک‌ها اصولاً ابزاری برای سیاست خارجی کشورهای اعطاءکننده نیز محسوب شده و بر اساس اهداف استراتژیک و مصالح این کشورها سازماندهی می‌شود. به طور کلی سه حیطة برای منطق کشورهای اعطاءکننده در تخصیص کمک به کشورهای در حال توسعه قابل شناسایی است. بحث اتحاد و همبستگی بین‌المللی به نوعی بحث ملاحظات بشردوستانه و تعهد اخلاقی به یاری رساندن به کشورهای فقیر به منظور کاستن از رنج‌های انسانی و کمک به اشخاص برای مواجهه با بلایای طبیعی یا انسانی و ایجاد ظرفیت‌های محلی برای کاهش میزان فقر جهانی را به دنبال دارد. چرا که بانک جهانی نیز ظرفیت‌سازی را یکی از دو رکن بسیار مؤثر توسعه برای کاهش فقر معرفی می‌کند.^{۸۳} باید پذیرفت که البته این کمک‌ها منافعی برای خود کشورهای کمک‌کننده در پی دارد از جمله آنها می‌توان به منافع تجاری و اقتصادی اشاره کرد که شامل گسترش صادرات، حمایت از تولیدکننده‌ها، امنیت برای سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه، افزایش تقاضا برای صادرات مثلاً انتقال تکنولوژی و غیره می‌شود. موضوعاتی مانند سهیم شدن در مبارزه علیه تروریسم نیز علاوه بر منفعت عمومی بین‌المللی، مصلحت خود کشورهای اعطاءکننده را هم تأمین می‌کند. در سطح بین‌المللی پی‌گیری منافع عمومی بین‌المللی، موضوعاتی مانند مقابله با بحران‌های داخلی کشورهای فقیر مانند بیماری‌ها، که اثرات فرامرزی ایجاد می‌کند، بی‌ثباتی سیاسی که درگیری و نزاع در پی دارد، بی‌ثباتی اجتماعی که برنامه‌هایی مانند کاهش فقر و برابری جنسیتی، رشد متعادل جمعیت و در مجموع تقویت حقوق بشر را می‌طلبد، در رأس انگیزه‌ها یا محرک‌های موجود برای همکاری بین‌المللی و رساندن کمک‌های توسعه‌ای به کشورهای در حال توسعه قرار می‌دهد.

به طور کلی باید گفت که بحث‌های فراوانی راجع به تأثیر ODA بر رشد و در مجموع بر بهبود کیفیت زندگی مردمان کشورهای در حال توسعه و در نتیجه بر توسعه اجتماعی و اقتصادی این کشورها مطرح شده است.^{۸۴} انتقاداتی وجود دارد راجع به اینکه کمک‌های مزبور صرفاً انگیزه و فعالیت کشورهای در حال توسعه را سست می‌کند، رژیم‌های ناکارآمد و فاسد

83. Ian Goldin, Halsey Rogers and Nicholas Stern, "The Role and Effectiveness of Development Assistance" (Washington DC: World Bank, 2002), vi.

84. See: S. Radelet, M. Clemens and R. Bhavnani, "Aid and Growth," *Finance and Development* 41 (2005): 1-10.

را در قدرت نگه می‌دارد، بی‌تأثیر است و باید اصلاح یا حتی حذف گردد. در حالی که از سوی دیگر ادعا می‌شود که این کمک‌ها هرچند ممکن است به اصلاحاتی نیاز داشته باشد، اما کمک کرده است که میلیون‌ها نفر از فقر رهایی یابند، وضعیت آموزش و بهداشت را بهبود بخشیده و باعث افزایش کارکرد اقتصادی بسیاری از کشورها شده است. دقیق‌تر اینکه در شرایط مناسب، کمک‌ها تأثیر مثبتی از خود بر جای گذاشته‌اند. به هر روی از لابلای این مباحث دقت در این نکته، مهم و مؤثر است که اثر کمک‌های توسعه‌ای بسته به نوع کمک و ظرفیت کشور دریافت‌کننده و سیاست کشور اعطاء‌کننده یا نهادهای بین‌المللی، متفاوت خواهد بود و فاکتورهای متفاوتی بر تأثیر کمک‌های مورد بحث اثر گذارند.^{۸۵}

۳-۲- لزوم انتقال تکنولوژی برای کاهش فقر

به طور کلی به نظر می‌رسد که امروزه نوعی پذیرش جمعی وجود دارد نسبت به اینکه تکنولوژی سهم مؤثری در رشد و توسعه کشورها ایفاء می‌کند و حتی ادعا می‌شود که تکنولوژی عامل اساسی برای ایجاد ثروت، توانایی و دانایی کشورهاست و وسیله‌ای قدرتمند برای توسعه ملی تلقی می‌شود.^{۸۶} از سوی دیگر با توجه به اینکه تکنولوژی‌های پیشرفته و دانش فنی روز در اختیار کشورهای توسعه‌یافته قرار دارد، نه تنها برای کاهش فاصله میان کشورهای فقیر و غنی، بلکه برای جلوگیری از تعمیق هرچه بیشتر این شکاف، بحث انتقال تکنولوژی به صورت یک ضرورت تجلی یافته است. چرا که زمانی که مردمان کشورهای با حداقل سطح توسعه‌یافتگی، در مرداب فقر فرو می‌روند و با توجه به کمبود منابع و فرصت‌های اشتغال، دچار بودن به انواع تبعیض در سطح داخلی و بین‌المللی، عدم دسترسی به بازارهای جهانی و دلایل متعدد دیگر راه تحرک و پویایی اجتماعی مسدود و امکان بیرون آمدن از این ورطه بسیار محدود است، نه تنها نیل به اهدافی از جمله کاهش فقر و رفع نیازهای معیشتی در جامعه جهانی ممکن نیست، بلکه می‌توان گفت طی چرخه‌ای غیر قابل توقف به جهت بی‌میلی مردم به مشارکت در عرصه‌های گوناگون، ضعف دموکراسی، توسعه و حقوق بشر در این کشورها به شدت مورد غفلت قرار گرفته و این ضعف، فقر را تشدید می‌کند و در نهایت می‌توان ادعا کرد که این صلح جهانی است که در معرض خطر قرار می‌گیرد.

85. See for Example: United Nations Development Programme, Human Development Report, New York, 2005, Chap. 3.

۸۶. عارفه فدوی اصغری، «انتقال تکنولوژی»، نشریه تدبیر ۱۱۴ (۱۳۸۰)، ۷۱.

اما در حدود مجال بحث حاضر راجع به لزوم کاهش فقر از طریق همکاری بین‌المللی برای نیل به توسعه اجتماعی، نباید انتقال تکنولوژی را از نظر دور داشت. در واقع در روابط تجاری کشورها، به دلیل بالاتر بودن سطح اختراعات یا دانش فنی، کالا یا خدمت ارائه‌شونده به واسطه برخی تولیدکنندگان مزیت نسبی داشته، از این رو سود بیشتری نصیب کشور مربوطه می‌شود؛^{۸۷} بنابراین دستیابی به تکنولوژی‌های پیشرفته در تبدیل کشورهای در حال توسعه به جوامعی صنعتی حائز اهمیت است و بنا بر تجربه ثابت شده که این راهبرد، با تجهیز کشورهای مزبور به سطوح بالاتری از دانش و مهارت، در صورت فراهم بودن زیرساخت‌های لازم، نقش مؤثری در افزایش بهره‌وری و توسعه ایفاء می‌کند.^{۸۸}

انتقال تکنولوژی، زنجیره بهم پیوسته فعالیت‌های هدف‌داری محسوب می‌شود که طی آن مجموعه مؤلفه‌های تکنولوژی در مکانی بجز محل اولیه خلق آن، در سطح گسترده مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.^{۸۹} وارد نمودن عوامل تکنولوژیک از کشورهای توسعه‌یافته به کشورهای در حال توسعه، این کشورها را قادر به تهیه و به کارگیری ابزارهای جدید و توسعه ابزارهای موجود و در نتیجه بالا بردن سطح بهره‌وری و کاهش فقر می‌گرداند.^{۹۰}

به طور کلی باید در نظر داشت که مسئله انتقال تکنولوژی در سطح بین‌المللی دارای وجهت و مشروعیت است. به گونه‌ای که در منشور حقوق و تکالیف دولت‌ها^{۹۱} مصوب مجمع عمومی سازمان ملل در بند ۲ ماده ۱۳ آمده است: «همه دولت‌ها باید همکاری در زمینه‌های علمی و تکنولوژیکی را با توجه به منافع مشروع کشورهای عضو، از جمله حقوق و تکالیف دارندگان، عرضه‌کنندگان و دریافت‌کنندگان تکنولوژی تقویت نمایند» و به صورت دقیق‌تر در ادامه تأکید شده که «همه دولت‌ها می‌بایست امکان دسترسی کشورهای در حال توسعه را به دستاوردهای نوین علمی و تکنولوژیک، انتقال تکنولوژی و خلق تکنولوژی‌های بومی که با منافع آنان هماهنگی دارد و استفاده از راه و روش‌هایی که با وضعیت اقتصادی و نیازهای این کشورها سازگار است، فراهم نمایند. «ضمن اینکه بند سه نیز بر لزوم همکاری در فراهم

۸۷. مصطفی ماندگار، «جستاری در جهانی شدن و تحول در قراردادهای انتقال تکنولوژی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی ۴۱ (۱۳۹۰)، ۳۰۰.

۸۸. نک: رضا سلامی، «سیاست‌های انتقال بین‌المللی تکنولوژی و توسعه صنعتی کشورهای در حال توسعه»، فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع) ۵ (۱۳۷۷)، ۷۷-۵۴.

۸۹. علیرضا علی‌احمدی، علیرضا توکلی، «نگرش جامع به انتقال تکنولوژی»، نشریه تدبیر ۱۰۹ (۱۳۷۹)، ۱۹.

۹۰. همانجا.

کردن زیرساخت‌های لازم به این منظور اشاره دارد. در اسناد دیگری هم این مفهوم گنجانده شده است. از جمله آنها قطعنامه ۳۳۶۲ می‌باشد^{۹۲} که به انتقال منابع برای کمک به وقوع توسعه اجتماعی - اقتصادی کشورهای عقب‌مانده توجه داشته است. علاوه بر این در حوزه تجارت بین‌الملل نیز این مقوله مورد توجه قرار گرفته و از جمله قواعد مربوطه می‌توان به ماده ۶۶ موافقتنامه سازمان تجارت جهانی ارجاع داد که انتقال تکنولوژی را تشویق و تعقیب می‌کند. حق بر دسترسی به تکنولوژی نیز به عنوان میراث مشترک بشریت، هرچند با انتقال تکنولوژی متفاوت است، اما به نظر می‌رسد که در بطن خود این مفهوم را تقویت می‌کند. زیرا این آزادی برای هر کشور می‌تواند متضمن سهمی برابر از پیشرفت‌های فنی و تکنولوژیکی در هر نظام اجتماعی، سیاسی و اقتصادی باشد.^{۹۳}

تدوین برخی کنوانسیون‌ها و تلاش سازمان‌های بین‌المللی مرتبط در راستای آزادی مبادلات تجاری مفید اما ناکافی به نظر می‌رسد و بازسازی ساختاری در تدوین قواعدی ویژه قراردادهای انتقال تکنولوژی و الزام کشورها و نظام‌های ملی به تبعیت از این ساز و کارها از ملزومات برابر ساختن موقعیت بسیار نابرابر طرف‌های چنین قراردادی محسوب می‌شود. چرا که اصولاً کشورهای پیشرفته میل چندانی به انتقال دانش فنی خود نداشته^{۹۴} و نابرابری طرف‌ها و گاه ناآگاهی دریافت‌کننده این شرایط را بغرنج‌تر می‌سازد. چرا که عدم انتقال کامل تکنولوژی و دانش مربوط به آن و یا ناکارآمدی تکنولوژی انتقال‌یافته در بافت اقتصادی کشور دریافت‌کننده، علاوه بر اینکه هزینه‌ای گزاف تحمیل می‌کند، چیزی از بار فقر نخواهد کاست.

نتیجه

توسعه اجتماعی ارتقای کیفیت زندگی انسانی را برنامه اصلی خود قرار می‌دهد و طی فرایند پیچیده‌ای که بر مجموعه‌ای از حقوق و آزادی‌ها تأکید دارد، در این راستا حرکت می‌کند که به واسطه عدالت اجتماعی، انسجام اجتماعی و از طریق همکاری‌های بین‌المللی، صلح جهانی بیافریند.^{۹۵} چرا که جامعه جهانی به چنین درکی رسیده است که توسعه اجتماعی برای دستیابی به صلح و امنیت و حفظ آنها چه در درون ملت‌ها و چه در میان آنها لازم است و نیل به توسعه نیز بدون صلح و امنیت تحقق نمی‌یابد. فقر نیز چالشی جدی است که علاوه بر

92. A/RES/S-7/3362.

93. Jalil Kasto, *International Law of Technology* (London: London Print Center, 1993), 125.

۹۴. ماندگار، پیشین، ۳۰۸.

۹۵. مقدمه و ماده ۱ منشور ملل متحد صلح را به عنوان مفهومی فراتر از فقدان جنگ معرفی می‌کند.

تأکید گسترده بر آن در قالب مباحث توسعه، به صورت جدی در فرایند توسعه اجتماعی مورد توجه است.

در واقع باید اذعان کرد که معضلاتی از جمله نابرابری جنسیتی و محرومیت زنان و کودکان، فقر و افزایش شکاف بین فقیر و غنی، گرسنگی مزمن، بیکاری، خشونت و ناامنی گروه‌های آسیب‌پذیر، بیماری و ناتوانی و در نهایت اضمحلال اجتماعی در کشورهایی که کمترین میزان توسعه‌یافتگی را دارند، در وضعیت بحرانی تلقی شده و علاوه بر برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در سطح ملی، نیازمند توجه و اقدام خاص و حمایت جامعه بین‌المللی می‌باشد. تحقق اهداف توسعه، مستلزم تقویت بیشتر همکاری و هماهنگی در سطح ملی و بین‌المللی است. در راستای دستیابی به اهداف توسعه اجتماعی^{۹۶} می‌توان راهبردهایی از جمله محوریت مردم در امر توسعه، ایجاد محیطی مساعد برای توسعه در سطح ملی و بین‌المللی، ارتقای شرایط مؤلفه‌های توسعه اجتماعی بر مبنای برابری گروه‌های اجتماعی از جمله به واسطه فراهم آوردن فرصت‌های یکسان و برابر در زمینه نیازهای آموزشی و بهداشتی که حقوقی توانمندساز هستند، آموزش روانداری و تحمل اجتماعی، آموزش فرهنگ صلح، ایجاد روحیه نشاط اجتماعی برای مشارکتی همه‌جانبه، توجه به نیازهای خاص اقشار جوان و سالمند جامعه و نیز گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی مانند زنان، معلولان، فقرا و نیز توانمندسازی مردمان برای مشارکت در عرصه‌های مختلف زندگی و توان مواجهه و مقابله با بحران‌ها به گونه‌ای که در نهایت به انسجام اجتماعی و صلح بین‌المللی رهنمون شود، را ملحوظ نظر قرار داد. در این رابطه موضوع یکپارچگی مجموعه حقوق بشر به نحوی که احترام و رعایت کلیه حقوق و آزادی‌های انسانی را ایجاد می‌کند، به تقویت توسعه اجتماعی می‌انجامد. اگرچه این رابطه به صورتی متقابل جریان خواهد داشت.

برای رفع مشکل فقر به نظر می‌رسد در دو بعد داخلی و بین‌المللی اقداماتی اتخاذ شود که از مهم‌ترین آنها می‌توان به سیاست‌گذاری در باب اشتغال به عنوان مسئله‌ای مبتلابه در اجتماع و حمایت‌های اجتماعی که از مباحث نوظهور در حوزه توسعه اجتماعی است اشاره کرد که موضوعات مورد بحث در مبحث اول گفتار دوم می‌باشد. اگرچه به واسطه طرح بحث فقر در قالب موضوعات توسعه می‌توان در مبحث دوم موضوعاتی چون کمک‌های رسمی

۹۶. در توسعه اجتماعی فرایندها و خروجی‌ها و نتایج آن هر دو حائز اهمیت تلقی می‌شود.

بین‌المللی و انتقال تکنولوژی را به شرط فراهم بودن ساختار داخلی لازم برای استفاده صحیح از این فرصت‌ها، راهکاری مفید برای رهایی بشر از فقر تلقی کرد.

کلیه اعضای جامعه بایستی امکان و توان بهره‌مند شدن از حق و مسؤولیت شرکت فعال در امور جامعه‌ای را که در آن زندگی می‌کنند، داشته باشند. تساوی و برابری زن و مرد در کلیه فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی ضروری است. موانعی که به واسطه هر نوع تبعیض و نابرابری در دسترسی افراد به مشارکت در حوزه‌های تصمیم‌سازی، دریافت آموزش، خدمات و مراقبت‌های بهداشتی و اشتغال مولد را محدود کرده است و افراد را در وضعیت فقر و محرومیت اجتماعی نگه می‌دارد، باید از میان برداشته شود. این محدودیت‌ها و محرومیت‌های سرکوبگر، حتی اگر فجایع دیگری به دنبال نیاورند نیز از آنجا که آزادی‌های اساسی انسان را مخدوش می‌کنند، مذموم تلقی می‌شوند.^{۹۷} در این رابطه در بسیاری موارد نیاز به تغییر نهادهای اجتماعی به منظور غنا و ارتقای سطح کیفی آنها به صورتی که توسعه اجتماعی ایجاد می‌کند و نیز تغییر الگوی اجتماعی رایج در برخورد با مسائل از موارد مورد تأکید پروسه توسعه اجتماعی محسوب می‌شود. تنها در این صورت است که توسعه اجتماعی به عنوان یکی از ارکان اصلی توسعه پایدار کارکردی مطلوب خواهد داشت.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- اسلامی، رضا، لادن فرومند. *خصوصی‌سازی و توسعه حقوق بشر*. تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۳.
- الهی، همایون. «کمک‌های خارجی: برای توسعه یا علیه توسعه». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران* ۳۲ (۱۳۷۳): ۱۶۳-۱۴۹.
- بارتلی، هانری. «پیشرفت و فقر: مفاهیم و دیالکتیک آنها از تمدن‌ها و فرهنگ‌ها» در فقر، پیشرفت و توسعه، پاول مارک هنری. ترجمه مسعود محمدی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴.
- باسو، کائوشیک. «درباره اهداف توسعه» در *پیشگامان اقتصاد توسعه: آینده در چشم‌انداز*، ویراستار جرالدمیر و جوزف استیگلیتز. ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی. تهران: نشر نی، ۱۳۸۲.
- بوئر، آلن، آگروه روفر. *خشونت و ناامنی شهری*. ترجمه محمدرضا گودرزی. تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۲.
- تشرک، زهرا. «جهانی شدن، فقر و نابرابری: تردید در شاخص‌ها و اندازه‌گیری». *نشریه مجلس و پژوهش* ۴۳ (۱۳۸۳): ۱۸۲-۱۵۷.
- حسن‌زاده، محمد، رضا میرزا ابراهیمی. *استراتژی کاهش فقر: تجربه کشورهای شرق آسیا*. تهران: مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۶.
- سالومون، مارگوت. *مسئولیت جهانی برای حقوق بشر*. ترجمه فریده شایگان. تهران: نشر مجد، ۱۳۹۱.
- سلامی، رضا. «سیاست‌های انتقال بین‌المللی تکنولوژی و توسعه صنعتی کشورهای در حال توسعه». *فصلنامه علمی پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)* ۵ (۱۳۷۷): ۷۷-۴۵.
- سن، آمارتیا. *توسعه به مثابه آزادی*. ترجمه حسین راغفر. تهران: انتشارات کویر، ۱۳۸۱.
- شوبرت، ر. «فقر در کشورهای در حال توسعه: تعریف، وسعت و رهنمودها». ترجمه تیمور محمدی. *نشریه برنامه و بودجه* ۲ (۱۳۷۰): ۱۱۲-۸۵.
- علی احمدی، علیرضا، علیرضا توکلی. «نگرش جامع به انتقال تکنولوژی». *نشریه تدبیر* ۱۰۹ (۱۳۷۹): ۲۱-۱۶.
- فدوی اصغری، عارفه. «انتقال تکنولوژی». *نشریه تدبیر* ۱۱۴ (۱۳۸۰): ۷۴-۷۱.
- قانع‌ی راد، محمدمبین. «برنامه‌های کاهش فقر و نابرابری در ایران/ رویکرد توسعه اجتماعی به برنامه‌های فقرزدایی در ایران». *مجله رفاه اجتماعی* ۱۸ (۱۳۸۴): ۲۶۲-۲۳۳.
- گرب، ادوارد. *نابرابری اجتماعی: دیدگاه‌های نظریه‌پردازان کلاسیک و معاصر*. ترجمه محمد سیاهپوش و احمد غزوی‌نژاد. تهران: نشر معاصر، ۱۳۷۳.
- ماندگار، مصطفی. «جستاری در جهانی شدن و تحول در قراردادهای انتقال تکنولوژی». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی* ۴۱ (۱۳۹۰): ۳۱۴-۲۹۷.
- مسعود اصل، ایروان. *نظام رفاه اجتماعی در جهان: مطالعه تطبیقی*. تهران: دفتر مطالعات اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸.

هادی زوز، بهروز. «فقر و نابرابری درآمد در ایران». فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی ۱۷ (۱۳۸۴): ۲۰۳-۱۶۲.

همایون پور، هرمز، مترجم. *تأمین اجتماعی در اروپا: توسعه یا تعطیل*. تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، ۱۳۷۹.

ب) منابع انگلیسی

- Alston, P. "Ships Passing in the Night: The Current State of the Human Rights and Development Debate Seen through the Lens of the Millennium Development Goals," *Human Rights Quarterly* 27 (2005): 755-829.
- American Psychological Association. "Violence and the Family", Report of the American Psychological Association Presidential Task Force on Violence and the Family, 1996.
- Bell, David, and David G. Blanchflower. "Youth Unemployment: *Déjà Vu?*." *Stirling Economics Discussion Paper* (2010): 16. <https://ssrn.com/abstract=1545132>.
- Buckley, Graeme J. and Giuseppe Casale, "Social Dialogue and Poverty Reduction Strategies". Geneva: International Labour Organization, 2006
- Collier, P., and A. Hoeffler. "On the Incidence of Civil War in Africa." *Journal of Conflict Resolution* 46, (2002): 13-28.
- Eslami, Reza, and Darlene R. Gonzalez. *Social and Economic Rights of Afghan Migrant Workers in Iran and Mexican Migrant Workers in the United States: A Comparative Study*. Tehran: Jungle Publications, 1393.
- Fearon, J., and D. Laitin. "Ethnicity, Insurgency and Civil War," *American Political Science Review* 97 (2003): 75-90.
- Fosu, A. "The Social Impact of Globalization: The Scope for National Policies." In *Understanding Globalization, Employment and Poverty Reduction*, edited by M. Vivarelli, and E. Lee, 327-348. New York: Palgrave Macmillan, 2004.
- Fukuda-Parr, Sakiko. "The Human Poverty Index: A Multidimensional Measure." In *Poverty in Focus*, edited by UNDP, 7-11. International Poverty Centre, United Nations Development Programme, 2009.
- Goldin, Ian, Halsey Rogers and Nicholas Stern. "The Role and Effectiveness of Development Assistance". Washington DC: World Bank, 2002.
- Goodhand, J. "Violent Conflict, Poverty and Chronic Poverty". Working Paper No. 6, London: Chronic Poverty Research Center, 2001.
- Hunt, P., M. Nowak and S. Osmani. "Principles and Guidelines for a Human Rights Approach to Poverty Reduction Strategies", OHCHR, 2005.
- Kasto, Jalil. *International Law of Technology*. First Edi. London: London Print Center, 1993.
- Lewis, O. "The Culture of Poverty," *Scientific American* 215 (1966): 19-25.
- Miguel, Edward. "Poverty and Violence: An Overview of Recent Research and Implications for Foreign Aid." In *Too Poor for Peace? Global Poverty, Conflict and Security in the 21st Century*, edited by Lael Brainard, Derek Chollet, 50-59. Washington, DC: University of California, 2007.
- Narayan, D., P. Petesch. *Moving Out of Poverty: Rising from the Ashes of Conflict*. Washington, DC: World Bank, 2010.
- Narendranathan, W., P. Elias. "Influences of Past History on the Incidence of Youth Unemployment: Empirical Findings for the UK," *Oxford Bulletin of Economics and Statistics* 55 (1993): 161-185.
- Norton, A., T. Conway and M. Foster. *Social Protection Concepts and Approaches: Implications for Policy and Practice in International Development*. London: Overseas Development Institute, 2007.

Oyen, E. "Some Basic Issues in Comparative Poverty Research," *International Social Science Journal* 134 (1992): 615-626.

Prowse, M. "Towards a Clearer Understanding of Vulnerability in Relation to Chronic Poverty". Working Paper No. 24, Manchester: University of Manchester, 2003.

Radelet, S., M. Clemens, R. Bhavnani. "Aid and Growth," *Finance and Development* 41 (2005): 1-10.

Ravallion, Martin. "Can High-Inequality Developing Countries Escape Absolute Poverty?". Policy Research Working Paper 1775, Washington Dc.: World Bank, June 1997.

Taylor, Lance. "Growth, Development Policy: Job Creation and Poverty Reduction". DESA Working Paper No. 90, New York: DESA, 2009.

Weber, M. *The Theory of Social and Economic Organization*. New York: Free Press, 1970.

ج) اسناد بین المللی

A/RES/29/3281.

A/RES/S-7/3362.

CESCR, General Comment No. 3.

Commission for Social Development, Emerging issues: Social Protection, Note by the Secretariat, February 9-18, 2011.

Copenhagen Declaration on Social Development, A/CONF.166/9, 1995.

Department of Economic and Social Affairs, Report of the World Social Situation, United Nations, 2013.

Department of Economic and Social Affairs, The Employment Imperative: Report on the World Social Situation, United Nations, New York, 2007.

E/CN.5/2011/1.

E/RES/2012/9.

ECA, ILO, UNCTAD, UNDESA, UNICEF, UN System Task Team on the Post-2015 UN Development Agenda, Social Protection: A Development Priority in Development Agenda, Thematic Think Piece, May 2012.

Eide, A. "Report on the Right to Adequate Food as a human Right". E/CN.4/Sub.2/1987/23, Human Rights Study Series No.1, Geneva: Sub-Commission on the Promotion and Protection of Human Rights, 1387.

General Assembly Resolution 60/1, 2005.

General Assembly, Keeping the Promise: United to Achieve the Millennium Development Goals, A/65/L.1, New York, 2010.

International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights, 1966.

International Labour Office, Promotion of Rural Employment for Poverty Reduction, International Labour Conference, 97th Session, 2008.

International Labour Organization, Can Low-Income Countries Afford Basic Social Security? Geneva, 2008.

OECD, Is It ODA?, Factsheet, November, 2008.

OECD, Social Protection, Poverty Reduction and Pro-Poor Growth, Policy Guidance Note: Social Protection, 2009.

Organization for Economic Cooperation and Development, The Paris Declaration on Aid Effectiveness and The Accra Agenda for Action, Paris, 2005 and 2008.

Report of the Open-Ended Working Group on the Right to Development, E/CN.4/2001/26, Annex3.

The Geneva Declaration on Armed Violence and Development, Geneva, 7 June 2006.

UNDP, The Geneva Declaration on Armed Violence and Development: A Vision of Hope.

UNDP, Towards Human Resilience: Sustaining MDG Progress in an Age of Economic Uncertainty.

United Nations Conference on Sustainable Development, A/CONF.216/16, Rio de Janeiro, Brazil, June 20-22, 2012.

United Nations Conference on the Least Developed Countries: Declaration and Programme of Action, 2001.

United Nations Development Programme, Human Development Report, 2005.

United Nations Development Programme, Human Development Report, 2013.

United Nations Development Programme, Human Development Report, 2014.

United Nations General Assembly Resolutions and Decisions, 24th Special Session, A/S-24/10, 2000.

United Nations Monterrey Consensus on Financing for Development, Monterrey, Mexico, 18-22 March 2002.

United Nations, The Millennium Development Goals Report, New York, 2014.

Universal Declaration of Human Rights, 1948.

UNRISD, Transformative Social Policy: Lessons from UNRISD Research, UNRISD Research and Policy Brief 5, United Nations, New York, 2006.

World Bank, The World Development Report, Washington, D.C., 2011.

World Bank, Violence in the City: Understanding and Supporting Community Responses to Urban Violence, 2010.

World Bank, World Development Report 2013.

World Bank, World Development Report, Washington, D.C., 2006.

Poverty Reduction: A programme for Social Development in International Law

Dr. Reza Eslami

Assistant Professor of Shahid Beheshti University
Email: someal@yahoo.com

&

Mahshid Ajeli Lahiji

P.H.D. Student of International Law, Allameh Tabataba'i University,
Email: mahshid_ajeli@yahoo.com

All people deserve the inherent right to an adequate standard of living. Thus when some people are suffering from poverty, some economic - social rights of human beings are being breached. Fighting against poverty is one of the most important parts of social development process in order to reach the goals such as equality, justice, social coherence and global peace. The factor is recognized by the international law documents and some solutions are provided to eliminate poverty.

By ignoring the existence of poverty, there will be much more problems in both national and international levels. Poverty will give rise to deprivation and insecurity. Therefore in a programme for social development the importance of policy making in order to gain empowerment and improving social protection systems should be noted. Moreover, at international law cooperation is one of the main elements of social development which can remove poverty.

Keywords: Social Development, Elimination of Poverty, Policy Making, Cooperation.

Journal of LEGAL RESEARCH

VOL. XVI, No. 1

2017-1

- **Derogation of Human Rights in Situation of Public Emergency**
Dr. Seyed Ghasem Zamani - Marzieh Esfandiary
- **Poverty Reduction: A Programme for Social Development in International Law**
Dr. Reza Eslami - Mahshid Ajeli Lahiji
- **Protection of Human Rights Law in Cyberspace**
Dr. Seyed Yaser Ziaee
- **Analysis of Iranian Legislation in Petroleum Investment**
Dr. Hamid Bagherzadeh - Dr. Raheleh Seyed Morteza Hosseiny
- **Third Executive Protest in Execution of Civil Judgements Law**
Dr. Rasol Parvin - Amin Pakkideh - Elahe Etemadi
- **Regular Assignment of Judicial Cases from the Perspective of Judicial Independence: A Comparative Study in Iranian Law and International Documents**
Omid Rostami Ghazani
- **The Role of Claimant and Prosecutor in Offences against Historical and Cultural Heritage**
Dr. kyoumars kalantari - Hassan khodabakhshi palandi - Amir Erfanifar
- **Legal Protection of Historical and Cultural Monuments against Environmental Pollution**
Amin Valizadeh - Saber Nojomi
- **Ramsar Convention on Wetlands from the Perspective of International Environmental Law**
Mehrdad Mohammadi - Vahideh Najafi
- **Vicious Cycle of Enacting Local Duties in City Councils and Revocation in Court of Administrative Justice Judges Council: Discussion of Judicial Supervision on Urban Development in Contradiction with the Right to Property of People (2009-2016)**
Dr. Vahid Agah - Mohammad Nabi Boorboori
- **The Class Action Code: A Model for Civil Law Countries**
Author: Professor Antonio Gidi - Persian Translator: Dr. Majid Pourostad



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study